

۲ شهرالعرّة ۱۶۴

۹ سپتامبر ۲۰۰۷

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به دانشجویان بهائی ایران که از تحصیلات عالیّه محروم شده‌اند
جوانان عزیزتر از دل و جان،

در این ایام پر افتتان نظر این مستمندان به سوی آن نور دیدگان متوجّه و جان و روان این دردمندان از استمرار بارش ظلم و ستم بر آن شیفتگان روی محبوب پر ملال و افسرده است. اقدامات مستمرّ اولیای امور در ایران برای ممانعت دانشجویان بهائی از دسترسی به تحصیلات دانشگاهی موجب تألم و تأثر شدید است. این سیاست در نامه‌ای که از طرف دفتر حراست مرکزی وزارت علوم تحقیقات و فناوری به طور محرمانه به مقامات هشتاد و یک دانشگاه ابلاغ شده به وضوح تأیید شده است. بر اساس این نامه، هر دانشجو به محض آنکه به عنوان بهائی شناسایی شود باید از دانشگاه اخراج گردد. همین سیاست در اقدام اخیر سازمان سنجش نیز که حدود هشتصد نفر دانشجوی بهائی را به عنوان "نقص پرونده" از ورود به دانشگاه محروم نموده منعکس می‌باشد. این اقدامات رسمی، هم تأسّف‌انگیز و هم شرم‌آور است.

فقط چند ماه پیش بود که جراید عالم، هم‌زمان با پخش خبر اخراج دانشجویان بهائی از دانشگاه‌های ایران، پاسخ سخنگوی هیئت نمایندگی آن کشور در سازمان ملل متحد به سؤال خبرنگار رویتر را نیز نقل نمودند. این سخنگو با قاطعیّت تعجّب‌انگیزی بیان کرد که هیچ فردی در ایران به خاطر عقاید دینی خود از تحصیل محروم نمی‌شود. وی تنها مقام دولتی ایران نبود که این خبر را انکار می‌کرد. سفارت جمهوری اسلامی ایران در انگلستان نیز در نامه‌ای خطاب به یکی از اعضای پارلمان آن کشور که در مورد تزییقات وارده بر دانشجویان بهائی سؤال نموده بود همان گفته سخنگوی هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل را تکرار کرد. به علاوه سفارت جمهوری اسلامی در اتیوپی، در بیانیه‌ای که به دنبال انتشار خبر نقشه سّری ایران برای شناسایی بهائیان و زیر نظر گرفتن فعالیت‌های آنها در یکی از روزنامه‌های آن کشور منتشر کرد، اعلان نمود که در ایران هیچ فردی به خاطر عقاید شخصی از تحصیل در دانشگاه محروم نمی‌شود.

بیش از بیست سال است که دانشجویان بهائی عملاً نتوانسته‌اند به دانشگاه‌های ایران راه یابند زیرا تنها راه موجود برای آنان کتمان عقیده بود تا آنکه به دنباله اقدامات هم‌آهنگ وسیع بین‌المللی از طرف دول مختلف، سازمان‌های مدنی، مؤسسات آموزش عالی و افراد در سراسر جهان که نسبت به این موضوع ابراز نگرانی می‌کردند، نمایندگان دولت ایران توضیح دادند که ذکر دین در این اوراق اشاره به عقاید مذهبی دانشجویان نیست بلکه اشاره به رشته مطالعات مذهبی او است که در آن امتحان می‌دهد.

شک و تردید شما در قبول این توضیحات البته قابل درک بود. ولی به جهت ابراز حسن نیت و به منظور کمک به یافتن راه حلی مناسب برای مشکلی که به حیثیت ایران لطمه می‌زند، جامعه بهائی توضیحات رسمی مزبور را پذیرفت و بدین ترتیب برخی از شما توانستید با امیدی جدید در سال تحصیلی ۱۳۸۵ در بعضی از دوره‌های دانشگاهی اسم‌نویسی نمایید. ولی این امید چندان دوامی نیاورد چه که قبل از پایان اولین سال تحصیلی، بیش از نیمی از دانشجویانی که ثبت نام کرده بودند به محض آن که به عنوان بهائی شناسایی شدند از دانشگاه اخراج گردیدند و حال نیز مشاهده نامه دفتر حراست مرکزی وزارت علوم تحقیقات و فناوری عزم دولت جمهوری اسلامی را در ممانعت جوانان بهائی از تحصیلات دانشگاهی، صرفاً به خاطر عقاید مذهبی آنان، ثابت می‌نماید.

این اتفاقات اخیر، خاطره وقایع جانسوزی از نیرنگ‌های بی‌رحمانه علیه نیاکان روحانی شما عزیزان را در آن سرزمین زنده می‌سازد. شایسته شما عزیزان این است که با همان روحیه استقامت سازنده که اسلاف روحانی شما در مقابل تزویر دشمنان از خود نشان دادند بر تضيیقات وارده‌ی حالیه فائق آید. آن نفوس مقدسه که نظر خود را ما و رای مشکلاتی که برایشان هجوم نموده بود معطوف داشتند، سعی نمودند که در مقابل بی‌عدالتی، تعالیم دیانت جدید الهی را در جهت حصول مقاصد روحانی و توسعه اجتماعی به مرحله عمل درآورند. وظیفه شما نیز در این زمان همین است. هدف آن قهرمانان شجاع امر مبارک سازندگی، تقویت و بهبود تار و پود اجتماع زادگاه خود بود و به این نیت به تأسیس مدارس برای تعلیم و تربیت یکسان دختران و پسران، ارائه اصول و عقاید جدید مترقیانه، ترویج علوم و فنون، معرفی کمک‌های مهم در زمینه‌های مختلف از قبیل کشاورزی، بهداشت و صنایع موفق شدند — اقداماتی که منافع آن متوجه تمامی ملت بود. شما عزیزان نیز سعی در خدمت به وطن مألوف و کمک به احیای تمدنش دارید. آن سالکین راه حق در مقابل اعمال غیر انسانی دشمنان، صبر و آرامش، ثبوت و رسوخ، انقطاع و تعاون و تعاضد از خود نشان دادند و حيله و نیرنگ را با صداقت و ظلم و ستم را با حسن نیت نسبت به عموم جواب گفتند. شما نیز با تخلق به همان صفات و اخلاق حسنه و با تمسک به همان اصول روحانیه،

بی‌اساس بودن اتهامات ناروایی را که به شما نسبت می‌دهند ثابت نموده، تحسین اهل انصاف را برانگیخته‌اید.

اقدام دولت جمهوری اسلامی در منع گروهی از جوانان کشور خود، اعم از بهائیان و دیگران، از تحصیلات عالی با افتخاراتی که کشور کهن‌سال ایران در تاریخ پرشکوه خود به آن نائل آمده در تضاد است. چطور باید به مردم دنیا و علی‌الخصوص جوانان کنجکاو توضیح داد که چنین ممانعتی از طرف مسئولینی صورت می‌گیرد که خود را پیرو تعالیم اسلام می‌شمارند؟ بدین ترتیب، آموزش و پرورش که در گذشته ایام اصول اسلامی بر آن صحه گذاشته و موجب تأسیس مراکز مهم علمی و ظهور متفکرین عظیمی در بین ایرانیان گردیده از چه ارج و قدری برخوردار است؟ اظهار تعجب و نگرانی شدید مؤسسات برجسته آموزشی عالم و متفکرین امم که نمی‌توانند تصور کنند که چطور وزارت علمی که وظیفه‌اش ترویج علم است می‌تواند جوانان کشور خود را بر اساس دلایلی غیر قابل قبول از تحصیل محروم کند، چه عواقب و نتایجی برای ملت ایران دارد؟ پاسخ مسئولین امور به این سؤال که بر اساس چه اصول اخلاقی چنین تصمیماتی گرفته‌اند چیست؟ آیا می‌توان تصور کرد که این مسئولین برای تعهدات بین‌المللی کشور ایران نسبت به رعایت عدل و انصاف ذره‌ای ارزش قائلند و آیا اثری از خشیه الله در قلوبشان می‌توان یافت؟

از خودگذشتگی‌ها و فداکاری‌های بی‌حد و حصر شما هر چقدر سخت و شدید باشد، تنها جزئی از مصیبات دهشت‌باری است که میلیون‌ها نفوس دیگر در ایران و سراسر عالم در این ایام پر آشوب با آن دست به گریبانند. منظور از ذکر این حقیقت کاستن اهمیت و یا کم جلوه دادن شدت و حدت مشکلات شما نیست ولی مهم است که شما عزیزان زمینه و موقعیتی را که در آن با این مشکلات روبرو هستید فراموش نکنید. حضرت بهاءالله به کرات وضع اسفناک دنیا را متذکر شده می‌فرمایند: "...ارباح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزیاید..."، "عالم منقلب است و افکار عباد مختلف".

عکس‌العمل بعضی از مردم در مقابل رنج و عذاب قیام بر علیه ظالم ستمگر است، برخی دیگر چاره‌ای جز فرار ندارند و گروهی نیز تسلیم سرنوشت خود می‌شوند. در حالی که مردم ستم‌دیده دنیا اغلب قربانی نیروهای پراکنده ظلم و ستم هستند، اما شما به وضوح می‌دانید که چرا این مشکلات و ناملايمات را تحمل می‌نمایید و بدین ترتیب عکس‌العمل شما نیز باید بهمان درجه روشن و واضح باشد. به بیانات و اندازات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء توجه نمایید که می‌فرمایند: "...بخود مشغول نباشید در فکر

اصلاح عالم و تهذیب امم باشید. اصلاح عالم از اعمال طیّبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده..."،
 "...باعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهمّیت ندهید و اعتنا نکنید بالعکس معامله نمائید..."،
 "...اگر زهر دهند قند بخشند..."، "...هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و
 وفا و محبّت و امانت و دیانت و مهربانی بعموم عالم انسانی مشار بالبنان گردد..."، "...معین هر مظلومی
 باشید و مجیر هر محروم..."، "...بهر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند..."، "...خالصاً مخلصاً لله بوعظ
 و نصیحت عموم برخیزند تا دیده اهالی از این کحل بینش معارف روشن و بصیر گردد...".

آیا حضرت بهاءالله برای انتشار این تعالیم شخصاً تحمّل هر نوع محنت و بلا فرمودند؟ آیا آن
 حضرت حبس و تبعید را برای آزادی اهل عالم قبول فرمودند؟ "قد قيّد جمال القدم لاطلاق العالم و
 حبس في الحصن الاعظم لعق العالمين...".

بنابراین با وجدانی روشن و دیدگاهی عالم‌بین، با احتراز کامل از دخالت در هیچ نوع سیاست
 حزبی، و با رعایت حرمت قوانین و نظم اجتماعی، برای احیای وطن خود بیش از پیش جهد و کوشش
 نماید. با اعمال و خدمات پسندیده و مهر و محبّت واقعی به همه، قلوب اطرافیان خود را بدست آورد و
 حتّی احترام دشمنان سرسخت خود را نیز جلب نماید. صداقت و امانت و خلوص نیّت خود را به ثبوت
 رسانید و برای جامعه اسم اعظم در سرزمین زادگاهش حرمت و پذیرش روزافزون بدست آورد. گمان مبرید
 که آنچه مذکور شد صرفاً عباراتی برای آرامش قلوب شکسته شما و مرهمی بر زخم‌های شما است. به نتایج
 حاصله از رفتار و کردار با انضباط بهائیان ایران در مقابل تضییقات وارده بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷
 بیندیشید. آیا روش و سلوک آنان در مقابل ظلم‌های وارده تحسین تعداد فزاینده‌ای از هموطنان شما را
 جلب نکرده است؟ دفاع شما از حقوق حقّه خود البتّه شرط عدل و انصاف است. علاوه بر آن، کلّیّه
 وسایل قانونی موجود نیز برای دفاع از حقوق شما در حال حرکت است. آیا دول مختلف، سازمان‌های
 مدنی در سطح ملی و بین‌المللی و مؤسّسات معظم و معروف علمی عالم برای دفاع از حقوق شما قیام
 نکرده‌اند؟ البتّه که شما تنها نیستید. ولی پشتکار و استقامت شما در این راه باید با بردباری توأم باشد و
 بخوبی بدانید که صبر و تحمّل برای پیشبرد فرایندهای تحوّل اجتماعی که بالطّبیعه با سرعت کم پیش
 می‌رود با درد و مشقّت توأم و همراه است.

ضدّیت با هر حقیقت الهی که جدیداً ظاهر می‌شود سنّت تاریخ است و در هر عصری تکرار
 می‌شود. واقعیت دیگری که تاریخ با همان استمرار به آن شهادت داده آن است که هیچ عاملی نمی‌تواند

مانع پیشرفت عقیده‌ای گردد که وقت و زمان آن فرا رسیده است. وقت آزادی عقیده، توافق علم و دین — خرد و ایمان — آزادی زنان، دوری و بیزاری از هر نوع تعصب، احترام متقابل افراد و دول مختلف و در حقیقت عصر وحدت و اتحاد تمامی نوع بشر فرا رسیده است. آمال و آرزوهای عمیق مردم ایران البتّه با مستلزمات و مقتضیات این اصول تحوّل‌انگیز جهانی حضرت بهاء‌الله مطابقت دارد.

خدمت به دیگران صراط مستقیم و راه نجات و فلاح است. آن را شعار زندگی خود قرار دهید. حضرت عبدالبهاء مثل اعلاّی زندگی شما است. به پیروی از آن حضرت، طرق عملی برای خدمت به هم‌وطنان عزیز خود را البتّه خواهید یافت. دست اندر دست دیگران و دوش به دوش دیگر شهروندان آن سرزمین مقدّس برای ترویج امور عام‌المنفعه جهد و کوشش نمایید.

وقت، وقت قیام نفوسی برومند، بلند همّت، خیرخواه، حکیم و شجاع است. در اعتاب مقدّسه علیا بیاد شما عزیزان سر به سجود می‌گذاریم تا ان‌شاءالله از زمره این نفوس شریفه محسوب شوید.

بیت العدل اعظم